

بررسی فقهی و اقتصادی تعیین نرخ سود بانکی

سیدعباس موسویان^۱

چکیده

یکی از متغیرهای اساسی در فعالیت‌های بانکی، تصمیم‌گیری برای نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی است. این تصمیم افزون بر آثار فقهی و حقوقی، آثار متعدد اقتصادی نیز بر جای می‌گذارد. مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهد که تغییر نرخ‌های سود بانکی، روی حجم سپرده‌ها، ترکیب انواع سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری و نرخ تورم تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، هر نوع تغییری باید با رعایت دقیق ابعاد فقهی، حقوقی و کارشناسی اقتصادی و تشخیص جایگاه هر یک از متغیرهای کلان و میزان حساسیت آن‌ها در ارتباط با تغییرات نرخ سود بانکی باشد.

مطالعه تاریخ بانکداری ایران نشان می‌دهد که نرخ‌های سود بانکی چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، به‌وسیله دولت و بانک مرکزی و به‌صورت دستوری تعیین، و این باعث شده است در هیچ زمانی نرخ‌های بانکی ایران، نرخ‌های تعادلی بازار نباشد و همیشه براساس مصالح مقطعی تصمیم‌گیری شود.

در این مقاله، بعد از تبیین دیدگاه فقه اسلامی درباره بحث قیمت‌گذاری به‌صورت عام در تمام بازارها و بررسی نظریه وکالت و تعیین نرخ‌های سود بانکی در بانکداری بدون ربا و آرایه گزارشی از آخرین مطالعات نظری و تجربی درباره ارتباط تغییرات نرخ‌های سود بانکی با متغیرهای کلان اقتصادی چون پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تورم، به این نتیجه می‌رسیم که اسلامی‌ترین و اقتصادی‌ترین شیوه برای رسیدن به نرخ‌های سود عادلانه، زمینه‌سازی برای آزادسازی نرخ‌های سود بانکی است. اگر هم به‌دلیل وضعیت خاص اقتصادی ایران، تا رسیدن به آن وضعیت ناچار از تعیین مقطعی نرخ‌های سود بانکی هستیم، این تعیین نرخ باید با هدف نزدیک‌شدن به وضعیت تعادلی بازار و همسو با نرخ‌های بازار باشد.

راهکار پیشنهادی مقاله برای دوره کوتاه‌مدت و نزدیک‌کردن "نرخ‌های دستوری" به "نرخ‌های تعادلی بازار"، آن است که وضعیت کنونی نرخ‌های سود بانکی ایران (نرخ‌های سود سپرده‌ها، تسهیلات و حاشیه سود بانکی) با نرخ‌های متوسط چند کشور شاخص جهانی مقایسه شود و تغییرات نرخ‌ها در جهت دستیابی به آن نرخ‌ها باشد. و راه‌کار پیشنهادی برای دوره بلندمدت نیز زمینه‌سازی برای آزادسازی بانک‌ها در تعیین نرخ سود است تا از این طریق به نرخ تعادلی بازار برسیم.

کلمات کلیدی: تعیین قیمت، نظریه وکالت، بهره، سود بانکی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، نرخ سود سپرده، نرخ سود تسهیلات، حاشیه سود، سود اسمی و سود واقعی.

^۱ دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مقدمه

یکی از موضوع‌های چالش برانگیز سال‌های اخیر بخش پول و بانکداری کشور، موضوع تعیین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های اعتباری بوده است. تعیین نرخ سود و کیفیت تصمیم‌گیری ونحوه ابلاغ آن، آثار متعدد فقهی، حقوقی و اقتصادی بر جای می‌گذارد، و پیش از همه، ثبات اقتصادی و ثبات تصمیم‌گیری در بخش اقتصادی کشور را زیر سؤال می‌برد.

پژوهش‌های نظری و تجربی نشان می‌دهد که نرخ‌های سود بانکی چه در طرف سپرده‌ها و چه در طرف تسهیلات در یک بازار آزاد اقتصادی نتیجه تعادلی، میل نهایی به پس‌انداز و ارزش افزوده سرمایه در بخش واقعی اقتصاد است و تغییر نرخ‌های سود بانکی، روی حجم سپرده‌ها، ترکیب انواع سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری و نرخ تورم تأثیر می‌گذارد. بنابراین، هر نوع تغییری باید با رعایت دقیق کارشناس اقتصادی و تشخیص جایگاه هر یک از متغیرهای کلان و میزان حساسیت آن‌ها درارتباط با تغییرات نرخ سود بانکی باشد.

مطالعه تاریخ بانکداری ایران نشان می‌دهد که نرخ‌های سود بانکی چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، به‌وسیله دولت و بانک مرکزی و همیشه براساس مصالح مقطعی تصمیم‌گیری و به‌صورت دستوری تعیین شده است. این امر باعث شده است در هیچ زمانی نرخ‌های سود بانکی، نرخ‌های تعادلی بازار نباشد.

در این مقاله، بعد از تبیین دیدگاه فقه اسلامی درباره قیمت‌گذاری به‌صورت عام در تمام بازارها و بررسی نظریه وکالت و تعیین نرخ‌های سود بانکی در بانکداری بدون ربا و ارائه گزارشی از آخرین مطالعات نظری و تجربی درباره ارتباط تغییر نرخ‌های سود بانکی با متغیرهای کلان اقتصادی چون پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تورم، به دنبال نتایج زیر هستیم.

اسلامی‌ترین و اقتصادی‌ترین شیوه برای رسیدن به نرخ‌های سود عادلانه، زمینه‌سازی برای آزادسازی نرخ‌های سود بانکی است. اگر هم به دلیل وضعیت خاص اقتصادی تا رسیدن به بهینه اول ناچار از تعیین مقطعی نرخ‌های سود بانکی هستیم، این تعیین نرخ باید با هدف نزدیک‌شدن به وضعیت تعادلی بازار و همسو با نرخ‌های بازار باشد.

راهکار کوتاه‌مدت برای نزدیک کردن "نرخ‌های دستوری" به "نرخ‌های تعادلی بازار"، آن است که نرخ‌های سود بانکی ایران (نرخ سود سپرده‌ها، تسهیلات و حاشیه سود بانکی) با نرخ‌های متوسط جهانی مقایسه شود و تغییرات نرخ‌ها در جهت دستیابی به آن نرخ‌ها باشد.

۱- قیمت‌گذاری از دیدگاه فقه اسلامی

فقه‌های بزرگوار اسلام بحث قیمت‌گذاری را در ضمن مسئله احتکار و تبانی برای گران‌فروشی بحث می‌کنند و این بدان معناست که اصل اولی از دیدگاه فقه اسلامی اصل آزادی افراد و بازار در تعیین قیمت کالاها و خدمات است و تنها در شرایط خاص چون احتکار و انحصار و تبانی برای گران‌فروشی بحث اختیار حاکم اسلامی برای قیمت‌گذاری مطرح می‌شود. اکثر فقه‌های اسلام اعم از شیعه و اهل سنت با استناد به روایات وارده از معصومین (ع)، حتی در شرایط خاص، چون احتکار و تبانی، قائل به ممنوعیت قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی هستند و معتقدند مطلقاً باید قیمت توسط بازار تعیین شود. در نقطه مقابل دیدگاه فقهایی است که در شرایط خاص، قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی را با رعایت ضوابطی مجاز می‌شمارند. پیش از تبیین این دیدگاه‌ها و انتخاب دیدگاه مختار، با روایات این بحث که مستند همه فقها آنهاست آشنا می‌شویم.

۱-۱- روایات ناظر به موضوع قیمت‌گذاری

در مسئله ممنوعیت یا جواز قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی، روایات متعددی از طریق پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده که در مجموع می‌توان آن‌ها را به دو گروه تقسیم کرد. نقل همه روایات در قالب مقاله امکانپذیر نیست. براین اساس نمونه‌هایی از هر گروه را به تناسب بیان می‌کنیم.

۱-۱-۱- روایات نافی قیمت‌گذاری

الف- امیرالمومنین (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند:

روزی حضرت بر محتکران گذشتند، امر فرمودند که اموال احتکار شده آنان را به بازارها بکشانند، به‌گونه‌ای که در دید مردم قرار گیرد. سپس به آن حضرت عرض شد؛ ای کاش نرخ معین می‌کردید. آن حضرت از این پیشنهاد خشمگین شدند. به‌طوری‌که آثار خشم بر چهره مبارکشان ظاهر شد و فرمودند: من قیمت تعیین کنم؟ همانا قیمت‌ها با خداوند متعال است، هرگاه بخواهد بالا می‌برد و هرگاه بخواهد پایین می‌آورد (شیخ طوسی: ج ۷، ص ۱۶۱).

ب- شیخ صدوق از زمان رسول الله(ص) نقل می‌کند:

به رسول خدا عرض شد: کاش برای ما نرخ کالاها را تعیین می‌کردید، زیر نرخ‌ها در نوسان است و بالا و پایین می‌رود. حضرت فرمودند: من آن کس نیستم که خدای را با بدعتی که در باره آن سخنی به من نفرموده‌اند. پس بندگان خدا را به حال خودشان بگذارید تا گروهی از گروهی دیگر استفاده کنند و اگر در صدد خیرخواهی هستید، این‌گونه خیرخواهی کنید (شیخ صدوق: ج ۳، ص ۲۶۸).

ج - کلینی در روایتی از امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمود:

در زمان رسول الله(ص) طعام نایاب شد، مسلمانان خدمت آن حضرت رسیده عرض کردند: یا رسول الله(ص)، آذوقه تمام شده و چیزی از آن باقی نمانده مگر نزد فلانی، امر کنید که بفروشد، امام صادق(ع) فرمود: رسول الله(ص) حمد و ثنای الهی را بجای آورده و فرمودند: ای فلانی مسلمانان می‌گویند طعام تمام شده و چیزی جز آنچه دست توست باقی نمانده، پس باید آن را بیرون آورده و عرضه کنی و به هر کیفیتی که هست بفروش و آن را حبس نکن (شیخ کلینی: ج ۵، ص ۱۶۴).

د- انس بن مالک نقل می‌کند:

در زمان رسول الله(ص) گرانی پدید آمد، مردم حضور پیامبر رسیدند و عرض کردند یا رسول الله(ص) نرخ‌ها بالا رفته، برای ما نرخ‌ها را تعیین کن، رسول خدا فرمودند: فقط خداوند متعال تعیین کننده قیمت‌هاست گشایش و تنگی روزی در دست توانای اوست و من امیدوارم خداوند را در حالی ملاقات کنم که هیچ‌یک از شما مظلومه‌ای در خون و مال از من مطالبه نکند (الهندی: ج ۴، ص ۱۸۴).

افزون بر این‌ها روایات متعددی دیگری در متون روایی شیعه و اهل سنت وجود دارد.

۲-۱-۱- روایات مجوز قیمت‌گذاری

در نقطه مقابل روایات سابق روایات دیگری وجود دارد که برخی از فقها و اندیشمندان با استناد به آن‌ها مدعی جواز قیمت‌گذاری توسط حاکم اسلامی هستند. مانند:

الف- امیرالمومنین(ع) زمانی که مالک اشتر را به‌عنوان والی مصر تعیین کردند، در نامه‌ای خطاب به ایشان دستورالعمل‌هایی را تعیین کردند. از جمله فرمودند:

از احتکار ممانعت کن زیرا رسول خدا(ص) از آن منع فرمودند و باید دادوستد بدون سختگیری و با موازن عدل و نرخ‌هایی که موجب اجحاف به هر یک از فروشنده و خریدار نباشد انجام پذیرد(سیدرضی: نامه ۵۳).

ب- در روایتی از امام صادق(ع) در مورد قیمت گذاری پرسیدند، حضرت فرمودند: امیرالمومنین(ع) بر کسی قیمت تعیین نمی کردند. اما هر کسی که در معامله با مردم کم می گذاشت به او گفته می شد: همان گونه که مردم معامله می کنند، معامله کن و یا از بازار مسلمانان خارج شو، مگر اینکه طعام بهتری از طعام دیگران داشت (المغربی: ج ۲، ص ۳۶). مطابق این روایت تنها در صورتی اجازه داده می شد فروشنده ای به قیمتی بالاتر از قیمت بازار بفروشد که جنس مرغوبتری را ارائه می کرد.

ج- کلینی از ابی جعفر فزاری روایت کرده است:

روزی امام صادق(ع) یکی از غلامان خود را به نام مصادف به حضور طلبید و یک هزار دینار به وی داد و فرمود: اهل و عیال من زیاد شده و مخارجم سنگین شده است، آماده باش که جهت تجارت به مصر مسافرت کنی. غلام خود را مهیا کرد و با کالاهایی به همراه تجار به سوی مصر حرکت کرد. چون به مصر نزدیک شدند با کاروانی که از آنجا خارج شده بود روبه رو شدند و از آن ها در باره کالایی که به همراه داشتند و از اجناسی که مورد نیاز عموم بود سوال کردند و گفتند وضعیت این اجناس در مصر چگونه است؟ آن ها در پاسخ گفتند: از این کالاها در اینجا هیچ موجود نیست، تجار مدینه با شنیدن این سخن هم سوگند شدند و هم پیمان شدند که سود متاعشان را از هر دیناری به دیناری کمتر نکنند و همین طور هم عمل کردند. پس از جمع اموال به مدینه بازگشتند. مصادف خدمت امام صادق(ع) رسید درحالی که دو کیسه که هر یک مشتمل بر هزار دینار بود به همراه داشت عرض کرد تصدقتان؛ این یک کیسه اصل سرمایه و این یک کیسه دیگر سود آن است، امام(ع) فرمودند: این سود بسیار است. بگو ببینم با کالا چه انجام دادی؟ غلام ماجرای هم سوگندی بر سود کلان را تعریف کرد. امام(ع) فرمودند: سبحان الله هم سوگند شدید که بر مسلمین کالا نفروشید مگر با سود دینار به دینار؟ آنگاه امام یکی از دو کیسه را برداشته و فرمودند: این سرمایه اصلی من و نیازی به این سود ندارم. سپس فرمودند: ای مصادف؛ کارزار با شمشیر آسان تر از طلب حلال است (شیخ کلینی: ج ۵، ص ۱۶۱).

۲-۱- دیدگاه فقها درباره موضوع قیمت گذاری

اکثر فقها با استناد به روایات گروه نخست، حتی در شرایط خاص چون احتکار، قائل به ممنوعیت قیمت گذاری از سوی حاکم اسلامی هستند و معتقدند صاحب کالا حتی محترک می تواند به هر قیمتی که خواست کالای خود را بفروشد. در نقطه مقابل فقهای هستند که با استناد به روایات گروه دوم در شرایط خاصی قیمت گذاری از سوی حاکم اسلامی را با

رعایت ضوابطی مجاز می‌شمارند. در این قسمت از مقاله با رعایت اختصار به نقل برخی از افراد شاخص هر یک از دو دیدگاه می‌پردازیم.

۱-۲-۱- دیدگاه مخالف قیمت‌گذاری

الف- شیخ طوسی در مبسوط می‌فرماید:

برای امام و نایب وی جایز نیست که بر کالاهای بازاریان قیمت‌گذاری کند. چه آن متاع آذوقه باشد یا غیر آذوقه و چه در زمان گرانی باشد یا ارزانی و خلافتی در این مسئله نیست. از نبی اکرم (ص) روایت شده است که مردی خدمت ایشان رسیده عرض کرد: بر فروشندگان طعام، نرخ معینی قرار دهید فرمودند: ما دعا- برای گشایش- می‌کنیم، سپس فرد دیگری آمد و عرض کرد: یا رسول الله بر فروشندگان طعام، نرخ مشخصی را مقرر فرمایید؛ فرمودند: این خداوند متعال است که نرخ کالا را بالا یا پایین می‌برد و من امیدوارم خدای را ملاقات کنم درحالی‌که برای احدی نزد من مظلومه‌ای نباشد. پس با توجه به ثبوت چنین اثری از صاحب شریعت اگر فردی از بازاریان در کم و زیاد نرخ کالا تخلف کرد، کسی حق اعتراض بر وی ندارد (شیخ طوسی: ج ۲، ص ۱۹۵).

ب- محقق در شرایع می‌گوید:

برمحتکر تعیین نرخ نمی‌شود، بعضی گفته‌اند که بر وی تعیین نرخ می‌شود، ولی اظهر عدم تعیین نرخ است (محقق: ج ۲، ص ۲۱).

ج- علامه در منتهی فرموده:

بر امام واجب است که محتکران را بر فروش اجبار نماید و جایز نیست که آن‌ها را بر نرخ معینی وادارشان سازد، بلکه آنان را در فروش به اراده خودشان رها می‌کند. این نظریه اکثر علمای ماست و نظر شافعی نیز همین است. مفید و سلار فرموده‌اند که برای امام جایز است که به نرخ متعارف شهر بر محتکران نرخ‌گذاری نماید و رای مالک نیز همین است (علامه، منتهی: ج ۲، ص ۱۰۷).

۱-۲-۲- دیدگاه موافق قیمت‌گذاری

در نقطه مقابل از همان ابتدای تاریخ فقاقت برخی از فقها در شرایط خاص و با رعایت ضوابطی قائل به قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی هستند مانند:

یکم- شیخ مفید در کتاب مقننه می‌فرماید:

برای حاکم جایز است به آن گونه که مصلحت می‌بیند، بر کالاها نرخ‌گذاری کند. ولی طوری نباشد که باعث خسارت صاحبان کالا شود (شیخ مفید: ص ۹۶).

دوم- صاحب مفتاح الکرامه از فقهای زیادی نقل می‌کند:

در کتب وسیله، مختلف، ایضاح، دروس، لمعه، مختصر و تنقیح آمده است: در صورتی محتکر در قیمت جنس اجحاف نماید نرخ معینی برای او تعیین می‌گردد. زیرا تجاوز از حد متعارف، اضرار بر مشتری است و در شریعت اسلام اضرار نفی شده است (حسینی: ج ۴، ص ۱۰۹). سوم- شهید ثانی در کتاب مسالک بعد از حکم به اجبار محتکر بر فروش و عدم تعیین قیمت می‌گوید: مگر در صورت اجحاف مالک، که حاکم می‌تواند قیمت‌گذاری کند، وگرنه فایده‌ای در اجبار به فروش نیست. زیرا در صورت اجحاف مالک، اگر بگوییم حاکم نمی‌تواند نرخ‌گذاری کند. برای محتکر جایز خواهد بود قیمتی روی کالای خود بگذارد که مقدور مردم نیست و برای آنان زیانبار است و حال آنکه غرض از اجبار بر فروش دفع ضرر از مردم است (شهید ثانی، مسالک: ج ۱، ص ۱۷۷). چهارم- آیه الله خویی (ره) پس از فتوا به جایز نبودن قیمت‌گذاری می‌گوید:

آری؛ اگر فروشنده در قیمت‌گذاری اجحاف کند، چندان که گونه‌ای از احتکار شمرده شود، حاکم اسلامی از آن جلوگیری می‌کند تا مالک کالا به قیمت بازار یا قدری بیشتر که در حدّ توان خرید مردم باشد، آن کالا را بفروشد. مثلاً اگر بهای یک کیسه گندم صد فلس باشد و احتکارکننده آن را به دو دینار بفروشد، این کار نیز نوعی احتکار است، چنانکه پوشیده نیست (توحیدی: ج ۵، ص ۵۰۰).

پنجم- امام خمینی (ره) می‌فرمایند:

قیمت‌گذاری ابتدا جایز نیست؛ لیکن اگر فروشنده اجحاف کند، مجبور می‌شود، که قیمت را کاهش دهد؛ وگرنه، حاکم شرع او را ناچار می‌کند که کالا را به قیمت آن سرزمین یا به صلاحدید حاکم بفروشد. پس روایات دلالت‌کننده بر جایز نبودن قیمت‌گذاری، شامل این قبیل نمونه‌ها نمی‌شوند؛ زیرا در این حال، قیمت نگذاشتن به احتکار منجر می‌شود. همان گونه که اگر فروشنده برای فرار از فروش کالا، قیمت را چنان تعیین کند که هیچ کس نتواند آن را بخرد. بدون اشکال حاکم شرع حق تصمیم‌گیری دارد؛ و آن روایات شامل این حالت نمی‌شود (امام خمینی، کتاب البیع: ج ۳، ص ۴۰۶).

۳-۱- جمع‌بندی دیدگاه فقها و روایات درباره موضوع قیمت‌گذاری

پیش از جمع‌بندی دیدگاه فقها و روایات درباره موضوع قیمت‌گذاری، عبارت زیبایی شیخ صدوق در کتاب توحید دارند که می‌تواند جامع همه دیدگاه‌ها باشد، وی می‌فرماید:

آن ارزانی و گرانی که محصول فراوانی و کمیایی طبیعی و عادی کالا است، از جانب خداوند عزوجل می‌باشد و رضا به این پدیده و تسلیم او شدن، واجب است و آن گرانی و ارزانی که معلول کمیایی و فراوانی طبیعی کالا نیست و بدون خواست مردم این مشکل پدید می‌آید و مردم به آن دچار می‌شوند یا یک سودجو، از میان مردم تمامی آذوقه شهر را خریداری کرده و سبب گرانی شده است، این تغییر نرخ، از قیمت‌گذاران و تجاوزگران محترک سودجوست که با خریداری طعام و آذوقه شهر موجب گرفتاری مردم شده‌اند. همان‌گونه که حکیم‌بن‌خرام انجام می‌داده، به‌طوری‌که همه آذوقه وارداتی مدینه را می‌خریده که پیامبر اکرم(ص) بر وی عبور کرده و فرمودند: یا حکیم‌بن‌خرام، از احتکار بر حذر باش (شیخ صدوق: ص ۳۸۹).

با توجه به مضمون مجموع روایات و دیدگاه‌های فقهی درباره موضوع قیمت‌گذاری می‌توان به نتایج زیر دست یافت.

الف- مفروض روایت‌ها و فتواهای فقها این است که در شرایط عادی و طبیعی کسی حق قیمت‌گذاری و تعیین نرخ برای کالاها و خدمات ندارد و قیمت در بازار و با اختیار طرفین قرارداد تعیین می‌شود.

ب- در شرایط غیرعادی چون تبانی و احتکار، حاکم اسلامی مسئولیت دارد با اتخاذ تدابیر لازم از جمله وادار کردن محترک بر فروش، وضعیت اقتصادی را به شرایط طبیعی برگرداند و حق قیمت‌گذاری ندارد.

ج- اگر محترکان و انحصارگران سوء استفاده کرده، قیمتی تعیین کنند که کسی قدرت بر خرید نداشته باشد و آن قیمت تبدیل به وسیله‌ای برای احتکار گردد و از این جهت جامعه متضرر گردد، به فتوای برخی از فقها حاکم اسلامی حق قیمت‌گذاری دارد.

د- در هر صورت قیمت تعیین شده بایستی متناسب با قیمت بازار باشد و موجب ضرر و زیان به فروشنده و خریدار نگردد.

۲- تعیین نرخ سود بانکی با توجه به موازین فقه اسلامی

از آنجا که تعیین نرخ سود بانکی نوعی قیمت‌گذاری برای سپرده‌ها و تسهیلات و خدمات بانکی محسوب می‌شود، از جهت فقهی مشمول همان قواعد و ضوابط قیمت‌گذاری خواهد بود. بنابر این در شرایط عادی و طبیعی اقتصاد کسی حق تعیین نرخ برای بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های اعتباری ندارد. اگر شرایط غیرعادی چون انحصار منابع پولی یا تبانی بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های اعتباری برای بالا بردن سود پیش بیاید مسؤلان امر می‌توانند با رعایت مصالح کل جامعه از جمله منافع سپرده‌گذاران، متقاضیان تسهیلات و با رعایت ارزش خدمات بانک، متناسب با قیمت بازار برای سپرده‌ها، تسهیلات و سایر خدمات بانکی قیمت تعیین کنند. حال این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به شرایط اقتصادی کنونی ایران، به‌ویژه در بخش پول و بانکداری یا دولت یا سایر نهادهای حکومتی، حق قیمت‌گذاری نسبت به نرخ‌های سود بانکی را دارند؟ و اگر دارند تحت کدام عنوان فقهی و با چه ضوابطی است؟

۲-۱- ضرورت تعیین نرخ سود بانکی

ممکن است ادعا شود شرایط اقتصادی ایران، به‌ویژه در بخش پول و سرمایه هنوز به آن حد نرسیده است که تمام متغیرهای اساسی به بازار سپرده شود و هنوز زمینه برای انواع تبانی و سوء استفاده از فرصت‌های به‌ظاهر قانونی برای انحراف بازار از قیمت‌های تعادلی وجود دارد. بنابراین همچنان باید دولت یا بانک مرکزی به نمایندگی از ناحیه دولت، نرخ‌های سود بانکی را تعیین کند.

در پاسخ به این دیدگاه می‌توان گفت: در اوایل انقلاب و در شرایط جنگ ممکن بود این نظریه قابل قبول باشد، لیکن امروزه و با گسترش انواع بانک‌های خصوصی و موسسه‌های مالی و اعتباری از یک سو و گسترش بازار سرمایه از سوی دیگر، شرایط اقتصادی کشور چنان تغییر کرده است که رهبری، دولت، مجلس و همه نهادها و سازمان‌های مرتبط به فکر خصوصی‌سازی و آزادسازی افتاده‌اند و با انواع راهکارها در صدد عملی کردن آن هستند. روشن است که یکی از مقدمات ضروری آزادسازی و خصوصی‌سازی، کم کردن دخالت دولت، به ویژه در عرصه قیمت‌گذاری است.

۲-۲- تعیین نرخ سود بانکی براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا

برخی معتقدند بررسی مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا در بخش رابطه حقوقی سپرده‌گذار با بانک و اختیارات بانک نشان می‌دهد که بانک مرکزی به نمایندگی از سوی دولت می‌تواند نرخ سود بانکی را تعیین کند. برای بررسی این دیدگاه، نگاهی به مواد مربوطه خواهیم داشت. مواد ۳ تا ۶ قانون رابطه بانک با سپرده‌گذار را تعیین می‌کند، در این مواد آمده است:

ماده ۳- بانک‌ها می‌توانند، تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند.

الف- سپرده‌های قرض‌الحسنه

۱- جاری

۲- پس انداز

ب- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

تبصره- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به‌کارگرفتن آن‌ها وکیل است، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ماده ۴- بانک‌ها مکلف‌اند اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس انداز و جاری) بازپرداخت کنند و نیز می‌توانند بازپرداخت اصل سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و بیمه نمایند.

ماده ۵- منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده (۳) این قانون، براساس قرارداد منعقد، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به‌کار گرفته شده در این عملیات، تقسیم خواهد شد.

ماده ۶- بانک‌ها می‌توانند، به‌منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها، با اتخاذ روش‌های تشویقی، امتیازات ذیل به سپرده‌گذاران اعطا نمایند.

الف- اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه.

ب- تخفیف و یا معافیت سپرده‌گذاران از جهت کارمزد و یا حق الوکاله.

پ- دادن حق تقدم به سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی در موارد مذکور در فصل سوم.

چنانکه مشاهده می‌شود در سپرده‌های جاری و پس‌انداز، بانک مالک منابع می‌شود و هر تصمیمی نسبت به کیفیت اداره و نرخ تسهیلات پرداختی از آن محل بگیرد، به مقتضای حق مالکیت آزاد است. کما اینکه در بانک‌های دولتی به‌تبع مالکیت دولت نسبت به این بانک‌ها می‌تواند نسبت به کیفیت اداره و نرخ تسهیلات پرداختی از آن محل تصمیم بگیرد، لیکن

نسبت به سپرده‌های سرمایه‌گذاری که بانک در به‌کارگرفتن آن‌ها وکیل است (اعم از اینکه بانک دولتی باشد یا خصوصی) به مقتضای قرارداد وکالت، بانک می‌بایست منافع و مصالح سپرده‌گذاران را در نظر بگیرد و قطعاً حق ندارد به زیان آنان تصمیم بگیرد و حق ندارد چنان نرخ‌گذاری کند که سال به سال ارزش و قدرت خرید منابع سپرده‌گذاران کاسته شود.

از سوی دیگر براساس ماده ۲۰، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور می‌تواند با استفاده از ابزار زیر، طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند. که آن ابزارها عبارتند از:

یکم- تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانک‌ها در عملیات مشارکت و مضاربه، این نسبت‌ها ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

دوم- تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت در حدود سیاست‌های اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت، حداقل نرخ سود احتمالی ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

سوم- تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانک‌ها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک در تناسب با قیمت تمام شده مورد معامله. این نسبت‌ها ممکن است در موارد مختلف متفاوت باشد.

چهارم- تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد خدمات بانکی (مشروط براینکه بیش از هزینه کار انجام شده نباشد) و کارانه وکالت به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری که توسط بانک‌ها دریافت می‌شود.

پنجم- تعیین نوع، میزان، حداقل و حداکثر امتیازات موضوع ماده ۶ و تعیین ضوابط تبلیغات برای بانک‌ها در این موارد.

ششم- تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، مضاربه، سرمایه‌گذاری، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، نسبه، سلف، مزارعه، مساقات، جعاله و قرض‌الحسنه برای بانک‌ها و یا هر یک از آن‌ها در هر یک از موارد و رشته‌های مختلف و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی به هر مشتری.

براساس این ماده و ابزارهای مطرح در آن، گرچه به بانک مرکزی اختیار تعیین سهم سود در عقود مشارکتی و نرخ سود در عقود مبادله‌ای را داده است، لیکن برای هر آشنای با مباحث فقهی و حقوقی روشن است که این اختیار در چارچوب رابطه حقوقی سپرده‌ها و ماهیت بانک تعریف می‌شود. بنابراین اگر بانک دولتی و نوع سپرده جاری یا پس‌انداز باشد، به مقتضای

مالکیت، هر تصمیمی می‌تواند بگیرد لیکن اگر بانک خصوصی باشد تنها در چارچوب سیاست‌های پولی می‌تواند اقدام کند. اگر سپرده‌ها نیز از نوع سپرده‌های سرمایه‌گذاری باشد، اعم از اینکه بانک خصوصی باشد یا دولتی تعیین نرخ‌ها می‌بایست با رعایت ضوابط قرارداد وکالت و با رعایت منافع و مصالح سپرده‌گذاران باشد، که شوربختانه مطابق آمارهایی که ارائه خواهد شد این نکته رعایت نشده است.

۳-۲- مصلحت تعیین نرخ سود بانکی

برخی معتقداند تعیین نرخ سود بانکی توسط دولت و شورای پول و اعتبار موجب تثبیت وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی می‌شود و در مجموع به مصلحت اقتصاد است. مصلحت نظام و رعایت مصالح عموم مردم نیز چنین تصمیمی را ایجاب می‌کند. پاسخ به این ادعا را به بررسی اقتصادی تعیین سود بانکی واگذار می‌کنیم. به این بیان که اگر نظریه‌ها و تجربه بانکداری نشان دهد که تعیین دستوری نرخ سود بانکی روی متغیرهای اساسی تأثیر مثبت دارد، ادعای مذکور را می‌پذیریم.

۳- تعیین نرخ سود بانکی با توجه به متغیرهای اقتصادی

همان‌طور که گذشت هر نوع تغییر در نرخ سود بانکی تأثیر درخور توجهی بر متغیرهای اساسی اقتصادی دارد که در تصمیم‌گیری‌ها می‌بایست به آن‌ها توجه کرد. در این بخش از مقاله این آثار و پی‌آمدها را مورد توجه قرار خواهیم داد.

۳-۱- تأثیر تغییرات سود بانکی بر سپرده‌ها

سپرده‌های بانکی به سه گروه سپرده‌های جاری، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تقسیم می‌شوند. هدف اصلی صاحبان سپرده جاری از سپرده‌گذاری در بانک، تسهیل مبادلات پولی و استفاده از بانک به صورت صندوق و حسابدار سریع و دقیق است و انگیزه اصلی صاحبان سپرده پس‌انداز، حفظ و نگهداری وجوه مازاد و برنامه‌ریزی برای هزینه‌های آینده و احتیاطی است. در اغلب بانک‌های دنیا، به سپرده‌های جاری، سود یا بهره‌ای پرداخت نمی‌شود و به صاحبان پس‌انداز نیز، میزان اندکی بهره یا جایزه می‌پردازند. در نتیجه، تغییرات نرخ سود یا بهره بانکی بر سپرده‌های جاری و پس‌انداز تأثیر چندانی نمی‌گذارد؛ لیکن سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری، به قصد کسب درآمد و استفاده از سود و بهره

بانکی سپرده‌گذاری می‌کنند. در نتیجه، نرخ بازده بانک را با سایر نرخ‌های بازده موجود در اقتصاد مقایسه کرده، سپس تصمیم می‌گیرند.

امروزه عرصه‌های گوناگونی برای سرمایه‌گذاری صاحبان سرمایه‌های نقدی وجود دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی، خرید و فروش سهام شرکت‌ها، ورود به شرکت‌های سرمایه‌گذاری، خرید و فروش زمین، ساختمان، طلا، ارز، خرید و فروش احتکاری کالاهای ضرور، خرید کالاهای بادوام، ورود در بازار غیررسمی وام و تنزیل و دست آخر خارج کردن سرمایه‌های نقدی از کشور و سپرده‌گذاری در بانک‌های خارجی از جمله آن‌ها است.

اگر سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها با احتساب نرخ تورم، سود قابل قبولی برای صاحبان سپرده باشد، بیشتر افراد ریسک‌گریز و متعارف جامعه، به سمت بانک‌ها می‌آیند و فقط افراد ریسک‌پذیر سراغ شرکت‌های سهامی و سرمایه‌گذاری مستقیم می‌روند و در نتیجه زمینه فعالیت‌های احتکاری و غیرموالد و غیررسمی باقی نمی‌ماند، لیکن اگر نرخ سود بانک‌ها پایین باشد، به‌ویژه اگر کمتر از نرخ تورم باشد، بخش فراوانی از سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری به تناسب سرمایه و سلیقه‌شان عرصه‌های دیگری را می‌جویند. جدول شماره ۱ تغییرات سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را طی ده سال گذشته در نظام بانکی ایران نشان می‌دهد. بررسی دو ستون آخر نشان می‌دهد به‌همان اندازه که نرخ سود واقعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری بهبود یافته، سهم این سپرده‌ها در مقایسه با کل سپرده‌ها افزایش یافته و به‌طور متوسط، رشد سالانه ۳۲ درصدی داشته است. درحالی‌که رشد سپرده‌های جاری و پس‌انداز ۲۲ درصد بوده است (معاونت امور بانکی و وزارت اقتصاد، ۱۳۸۴: ص ۱۶).

جدول شماره ۱: سهم سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری مدت‌دار از کل سپرده‌ها

(میلیارد ریال - درصد)

سال	سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار (۱)	کل سپرده‌ها (۲)	نرخ سود سپرده‌های بلندمدت	نرخ تورم	سود واقعی	نسبت (۱) به (۲)
۱۳۷۴	۲۸۴۱۶/۹	۷۴۳۹۹/۲	۱۸/۵	۴۹/۴	-۳۰/۹	۳۸/۲
۱۳۷۵	۳۵۸۴۷/۱	۱۰۳۳۳۶/۵	۱۸/۵	۲۳/۲	-۴/۷	۳۴/۷
۱۳۷۶	۴۷۱۰۳/۸	۱۱۸۹۰۶/۱	۱۸/۵	۱۷/۳	+۱/۲	۳۹/۶
۱۳۷۷	۶۲۴۲۹/۱	۱۴۱۶۲۸/۴	۱۸/۵	۱۸/۱	+۰/۴	۴۴/۱
۱۳۷۸	۷۹۵۳۲	۱۷۰۵۶۹/۹	۱۸/۵	۲۰/۱	-۱/۶	۴۶/۶
۱۳۷۹	۱۰۳۳۶۳/۶	۲۲۳۹۵۲/۴	۱۸/۵	۱۲/۶	+۵/۹	۴۶/۲
۱۳۸۰	۱۴۱۰۶۶/۵	۲۹۱۷۶۸/۶	۱۷	۱۱/۴	+۵/۶	۴۸/۳
۱۳۸۱	۱۸۵۸۶۲/۴	۳۸۲۷۴۳/۹	۱۷	۱۵/۸	+۱/۲	۴۸/۶
۱۳۸۲	۲۵۱۷۳۸/۲	۴۸۷۸۶۳/۹	۱۷	۱۵/۶	+۱/۴	۵۱/۶
۱۳۸۳	۳۰۳۶۸۲/۸	۵۶۸۸۶۱/۶	۱۷	۱۵/۲	+۱/۸	۵۳/۴

مأخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی، ترازنامه بانک مرکزی سال‌های مختلف.

نتیجه این می‌شود که حدود نیمی از سپرده‌ها که به حساب‌های جاری و پس‌انداز مربوط است، در تمام بانک‌ها، به‌ویژه بانکداری ایران که سودی به آن‌ها پرداخت نمی‌شود، متأثر از تغییرات نرخ سود بانکی (سود سپرده‌ها) نخواهد بود. لیکن نیم دیگر که به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار مربوط می‌شود، متأثر از نرخ سود بانکی است و سپرده‌گذار در مقابل تغییرات سود واکنش نشان می‌دهد.

۲-۳- تأثیر تغییرات سود بانکی بر سرمایه‌گذاری

یکی از مباحث مهم در علم اقتصاد، تاثیر نرخ بهره و سود بانکی بر تقاضای سرمایه‌گذاری است. اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک معتقدند: سرمایه‌گذاری، تابع معکوس نرخ بهره است. هرچه نرخ بهره کاهش یابد، در حقیقت هزینه سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاری افزایش خواهد یافت (تفضلی، ۱۳۶۶: ص ۲۵۸-۲۶۲). در مقابل، کینز معتقد است که سرمایه‌گذاری تنها تابع نرخ بهره نیست؛ زیرا اگر سرمایه‌گذاران پیش‌بینی کنند که سود فراوانی به‌دست خواهند آورد، ممکن است حتی با نرخ بهره بالا نیز به اخذ وام و سرمایه‌گذاری اقدام کنند، چنانکه اگر پیش‌بینی سود نداشته باشند، حتی در نرخ بهره‌های خیلی پایین هم به سرمایه‌گذاری اقدام نمی‌کنند. وی به‌همین دلیل، سرمایه‌گذاری را به پیش‌بینی‌های سودآوری مربوط می‌داند (گلریز و ماجدی: ص ۲۰۸ و ۲۰۹).

نتایج تحقیقات تجربی سال‌های اخیر که بر روی سرمایه‌گذاری انجام گرفته نیز نشان می‌دهد: تغییرات نرخ بهره گاهی بر روی تقاضای سرمایه‌گذاری بی‌تأثیر، و گاهی مؤثر است به این معنا که بنگاه اقتصادی، به نرخ بهره و تغییرات آن، به‌صورت یکی از اقلام هزینه نگاه می‌کند و تصمیم‌های خود را برای کاهش یا افزایش سرمایه‌گذاری نه براساس بهره، بلکه براساس سود انتظاری اتخاذ می‌کند. اگر بنگاه اقتصادی بتواند تغییرات نرخ بهره را که در تابع هزینه بنگاه منعکس می‌شود، از طریق افزایش قیمت محصول به مصرف‌کننده منتقل کند و سود خود را افزایش دهد یا در سطح پیشین حفظ کند، افزایش نرخ بهره تأثیری روی سرمایه‌گذاری نخواهد داشت. لیکن اگر اوضاع اقتصادی چنین اجازه‌ای را به وی ندهد و افزایش بهره و هزینه باعث کاهش سود شود، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. به‌همین جهت، در وضعیت رونق اقتصادی، با وجود اینکه نرخ‌های بهره بالا است، سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و برعکس در دوره‌های رکود با اینکه نرخ‌های بهره در پایین‌ترین سطح قرار دارند، سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد. برای مثال، در سال‌های آخر دهه هفتاد با اینکه نرخ‌های بهره به بالاترین حد خود در تاریخ امریکا رسیده بود، اثر خاصی بر سرمایه‌گذاری نگذاشت (توتونچیان، ۱۳۷۵: ص ۳۷۲ و ۳۷۳). در مورد ایران به‌رغم ثابت‌بودن نرخ بهره در طول

سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۹ و پایین‌تر بودن آن نسبت به نرخ تورم (نرخ بهره واقعی منفی) نظام بانکی با منابع مازاد چشمگیری مواجه بوده است (کميجانی، ۱۳۷۳: ص ۲۴). نتیجه این می‌شود که مطالعات نظری و تجربی، رابطه ثابتی بین سرمایه‌گذاری و تغییرات نرخ بهره و سود بانکی، برای همه حالت‌ها ارائه نمی‌کند. در وضعیت رونق، سرمایه‌گذار، توان انتقال تغییرات نرخ بهره و سود بانکی به قیمت محصول را دارد. افزایش نرخ بهره تأثیری در سرمایه‌گذاری نخواهد داشت و در وضعیت رکودی و عادی اقتصادی که چنین توانی را ندارد، افزایش نرخ بهره باعث کاهش سود و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. افزون بر این، باید سهم سود بانکی از مجموع هزینه تولید کالاها و خدمات را نیز به‌دست آورد و بر آن اساس بررسی کرد که هر واحد کاهش یا افزایش در نرخ سود بانکی، چه تأثیری بر قیمت تمام شده محصولات می‌گذارد.

۳-۳- تأثیر تغییرات سود بانکی بر تورم

در مطالعات دقیق نظری در تبیین رابطه تغییرات نرخ بهره و سود بانکی با تورم، بین تورم ناشی از تقاضا و تورم هزینه فرق می‌گذارند. زمانیکه اقتصاد در سطح بالایی از اشتغال قرار دارد، افزایش تقاضای کل به‌طور عام، باعث بروز فشار تورمی می‌شود که در اصطلاح، به آن تورم تقاضا یا تورم ناشی از تقاضا می‌گویند. در این وضعیت هر نوع کاهش نرخ بهره بانکی باعث افزایش عرضه پول و افزایش تقاضای کل در جامعه می‌شود و سطح عمومی قیمت‌ها را بالاتر خواهد برد. به این مناسبت در چنین وضعی سیاست‌گذاران بانک مرکزی با اعمال سیاست‌های انقباضی و افزایش نرخ بهره زمینه‌های کاهش عرضه پول و کاهش نرخ تورم را فراهم می‌کنند (گلیهی، بی‌تا: ص ۳۸۸ - ۳۹۳)؛ لیکن اگر منشأ تورم، هزینه تولید باشد که خود دلایل گوناگونی می‌تواند داشته باشد، مانند شرایط اشتغال ناقص به‌سبب انحصاری یا شبه انحصاری بودن بنگاه‌های تولیدی یا سهم بالای سرمایه در هزینه تولید بنگاه‌ها، در این صورت، مسئله متفاوت از وضعیت تورم تقاضا خواهد بود. به‌ویژه اگر تورم، از سهم بالای سرمایه در هزینه تولید ناشی شده باشد. روشن است که در چنین وضعی هر افزایش در نرخ بهره، هزینه استفاده از تسهیلات بانکی را برای بنگاه‌ها و قیمت تمام‌شده محصول را افزایش می‌دهد و در نقطه مقابل، هر نوع سیاست انبساط پولی باعث کاهش نرخ بهره و هزینه تولید و قیمت تمام‌شده محصول و سرانجام سبب کاهش نرخ تورم خواهد شد. به‌همین سبب، اقتصاددانان سفارش می‌کنند پیش از تصمیم به سیاست پولی برای مبارزه با تورم، باید نوع تورم را تشخیص داد.

نتیجه این می‌شود که اگر تورم، از فشار تقاضا در اقتصاد ناشی باشد، رابطه تغییرات نرخ بهره با نرخ تورم رابطه معکوس است. از این‌روی برای مبارزه با تورم، از سیاست پولی انقباضی و افزایش نرخ بهره استفاده می‌کنند. لیکن اگر تورم ناشی از مشکلات ساختاری تولید و هزینه باشد، به‌ویژه اگر از سهم بالای سرمایه در هزینه تولید سرچشمه بگیرد، رابطه تغییرات نرخ بهره با نرخ تورم، هم جهت است و هر نوع سیاست انقباضی و افزایش نرخ بهره باعث افزایش نرخ تورم و کاهش نرخ بهره، باعث کاهش نرخ تورم خواهد شد. بنابراین، شرط اصلی مبارزه با تورم تشخیص نوع آن است. به‌نظر می‌رسد با توجه به سپری‌شدن فشار تقاضا در اقتصاد ایران، لازم است روی ساختار تولید، و سهم عوامل تولید، به‌ویژه سرمایه در هزینه تولید توجه شود.

۴- راهکار رسیدن به نرخ‌های سود بانکی تعادلی

با روشن‌شدن مبانی فقهی و حقوقی تعیین نرخ سود بانکی و با توجه به تأثیر تغییرات نرخ سود بانکی بر متغیرهای اساسی همچون حجم سپرده‌های بانکی، سرمایه‌گذاری و تورم و اینکه این تأثیرها همیشه همسو و هم‌جهت نیست و ممکن است متقابل باشد، این پرسش مطرح می‌شود: نرخ تعادلی سود بانکی که از نظر فقهی مشروع و از نظر اقتصادی بتواند سطح پس‌انداز، سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری و تورم را در بهترین وضعیت ممکن قرار دهد، کدام است و به چه روشی می‌توان به آن رسید و از آن محافظت کرد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، دو راه‌حل به‌صورت گزینه اول که فرض بهترین وضعیت است و گزینه دوم که فرض نبود برخی شرایط است، پیشنهاد می‌شود.

۴-۱- آزادسازی نرخ‌های سود بانکی برای رسیدن به نرخ‌های تعادلی

از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بهترین گزینه برای تعیین قیمت در وضعیت رقابت سالم و در چارچوب شریعت، آزادسازی قیمت‌ها و پیروی از قیمت بازار و عرضه و تقاضا است. به‌طوری‌که در برخی روایت‌ها وقتی از پیامبر اکرم (ص) درخواست می‌شود کالاها را قیمت‌گذاری کنند، حضرت امتناع ورزیده، و آن‌را مخالف خواست خدا معرفی می‌کند. بیشتر اقتصاددانان نیز معتقدند که اگر وضعیت رقابت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی فراهم باشد و زمینه برای انواع انحصار، احتکار و تبانی نباشد، بهترین گزینه برای رسیدن به نرخ‌های تعادلی، آزادکردن نرخ‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است، تا در اثر فعالیت عوامل عرضه و تقاضا، قیمت‌ها در بهترین سطح به تعادل برسد. در صنعت بانکداری نیز اگر وضعیت رقابت فراهم باشد، بهترین گزینه آزاد گذاشتن بانک‌ها در تعیین سود

سپرده‌ها و سود تسهیلات است. اما در موقعیت کنونی که اولاً بخش مهم فعالیت‌های بانکی در اختیار بانک‌های دولتی است و دولت براساس مصالح خاصی تصمیم می‌گیرد و در مواردی که مصحلت می‌بیند انواع تسهیلات تکلیفی با نرخ‌های معین بر عهده بانک‌ها می‌گذارد، زمینه برای رقابت وجود ندارد. ثانیاً پیشینه صنعت بانکداری ایران نشان می‌دهد که چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، حتی در بانک‌های خصوصی، دامنه سود و بهره بانکی به وسیله بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار تعیین شده است. در نتیجه، آزادسازی دفعی بانک‌ها، سبب بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

۲-۴- هدایت نرخ‌ها به سمت سودهای تعادلی

حال که تا تحقق وضعیت رقابت نمی‌توان از طریق آزادسازی نرخ‌ها به نرخ‌های تعادلی رسید و به ناچار باید نرخ‌ها به صورت دستوری تعیین شود، می‌بایست با راهکاری تدریجی به سمت نرخ‌های تعادلی حرکت، و در حد امکان، نزدیک‌ترین نرخ به نرخ تعادلی را تعیین کرد؛ به طوری که وقتی موقعیت برای آزادسازی نرخ‌ها فراهم شود، نرخ‌ها با کمترین نوسان در نرخ تعادلی واقعی قرار گیرند. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود در گام نخست نرخ‌های بانکی ایران اعم از نرخ‌های سپرده‌ها، نرخ‌های تسهیلات و حاشیه سود بانکی^۱ به نرخ‌های بین‌المللی، به ویژه نرخ‌های کشورهای تعادل رقابتی داشته و احتمال نقل و انتقال سرمایه از ایران به آن کشورها وجود دارد، نزدیک شود. برای رسیدن به این هدف، نیازمند مقایسه نرخ‌های سود بانکی ایران با سایر کشورها هستیم تا داوری درستی برای پیشنهاد کاهش یا افزایش داشته باشیم. چون امکان مقایسه با تمام کشورها نیست، آمار و اطلاعات پنج کشور آمریکا، فرانسه، کره، چین و بحرین هرکدام به دلیل خاصی، در جایگاه پنج کشور شاخص انتخاب و آمارهای ایران با آن‌ها مقایسه شده است.

۳-۴- مقایسه نرخ سود سپرده‌های بانکی ایران با چند کشور شاخص

به دلیل آنکه که نرخ تورم کشورها در سال‌های مختلف، متفاوت است، مقایسه نرخ‌های بهره و سود اسمی سپرده‌ها ممکن نیست. بر این اساس لازم است مقایسه میان نرخ‌های واقعی (بعد از کسر نرخ تورم) صورت گیرد. مطالعه آمارهای رسمی نشان می‌دهد نظام بانکی ایران برای سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در فاصله زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۲ (پیش از اجرای قانون عملیات

¹ Spread

بانکداری بدون ربا) به‌طور متوسط به ترتیب ۷/۰۷ و ۸/۷۳ درصد بهره اسمی پرداخته، و در این سال‌ها متوسط نرخ تورم ۱۴/۷۷ درصد بوده است. یعنی در حقیقت، نظام بانکی در این فاصله زمانی به ترتیب برای سپرده‌های مذکور ۷/۷ و ۶/۰۴ درصد بهره واقعی منفی (زیان) پرداخته است (موسویان، ۱۳۸۳: ص ۱۹۸). بعد از اجرای بانکداری بدون ربا، در فاصله زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ نظام بانکی برای سپرده‌های کوتاه‌مدت به‌طور متوسط ۷/۱۶ درصد، و برای سپرده‌های بلندمدت ۱۴/۲۶ درصد سود اسمی پرداخته است؛ درحالی‌که در این سال‌ها، نرخ تورم به‌طور متوسط ۲۱/۷۶ درصد، و در واقع در این فاصله زمانی نرخ سود واقعی سپرده‌های کوتاه‌مدت ۱۴/۶- و سپرده‌های بلندمدت ۷/۵- درصد بوده است (موسویان، همان: ص ۱۹۹). با کنترل و کاهش تدریجی تورم از سال ۱۳۷۹ به بعد، سود پرداختی واقعی به سپرده‌گذاران تا حدودی بهتر شد. به‌طوری‌که در جدول شماره ۲ آمده، متوسط سود منفی برای سپرده‌های بلندمدت، به سود مثبت تبدیل شد.

جدول شماره ۲: نرخ‌های سود اسمی و واقعی سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ایران
(درصد)

سال	نرخ سود اسمی کوتاه‌مدت	نرخ سود اسمی بلندمدت	نرخ تورم	سود واقعی کوتاه‌مدت	سود واقعی بلندمدت
۱۳۷۹	۸	۱۸/۵	۱۲/۶	-۴/۶	۵/۹
۱۳۸۰	۷	۱۷	۱۱/۴	-۴/۴	۵/۶
۱۳۸۱	۷	۱۷	۱۵/۸	-۸/۸	۱/۲
۱۳۸۲	۷	۱۷	۱۵/۶	-۸/۶	۱/۴
۱۳۸۳	۷	۱۷	۱۵/۲	-۷/۸	۱/۸
میانگین	۷/۲	۱۷/۳	۱۴/۱۲	-۶/۹۲	۳/۱۸

مأخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی در سال‌های مختلف.

اگر متوسط نرخ بهره واقعی پنج کشور در چهار سال مذکور را به دست آوریم، به رقم ۲/۷۵ درصد می‌رسیم. مقایسه نرخ سود واقعی سپرده‌های بلندمدت پنجساله بانک‌های ایران با نرخ بهره واقعی پنج کشور شاخص، نشان می‌دهد که نرخ سود سپرده‌های پنجساله بانک‌های ایران گرچه تا سال ۱۳۷۹ به‌طور متوسط منفی بوده است، لیکن از آن سال به بعد رشد خوبی کرده و اکنون به نرخ متوسط پنج کشور شاخص رسیده و حدود ۰/۵ درصد هم از آن پیش افتاده است. بی‌تردید، همین بهبود، باعث رشد سریع سپرده‌های مدت‌دار در پنج سال گذشته از رقم ۱۰۳۹۰۴ میلیارد ریال به ۳۱۷۵۳۰ میلیارد ریال شده است که نشان‌دهنده رشد بیش از ۳۰۰ درصدی در پنج سال و رشد متوسط سالانه ۳۲ درصدی است (معاونت امور بانکی وزارت اقتصاد، همان). البته سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت چنانکه گذشت، همچنان با فاصله بسیاری منفی است که می‌بایست به آن‌ها توجه شود.

جدول شماره ۳: نرخ‌های بهره اسمی و واقعی سپرده‌های بانکی در چند کشور شاخص

(درصد)

کشور	۱۹۹۹			۲۰۰۰			۲۰۰۱			۲۰۰۲		
	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی
آمریکا	۵/۳۳	۲/۳	۳/۰۳	۶/۵	۳/۴	۳/۱	۳/۷	۸/۲	۰/۹	۱/۷۳	۱/۵	۰/۲
فرانسه	۲/۶	۰/۵	۲/۲	۲/۶	۱/۷	۰/۹	۳	۱/۷	۱/۳	۳	۱/۹	۱/۱
کره	۷/۹	۰/۸	۷/۱	۷/۹	۲/۳	۵/۶	۵/۸	۴	۱/۸	۴/۹	۲/۸	۲/۱
چین	۲/۳	-۱/۴	۳/۷	۲/۳	۰/۲	۲	۲/۳	۰/۵	۱/۸	۲	۰/۸	۲/۸
بحرین	۴/۸	-۱/۴	۶/۲	۵/۸	-۰/۷	۶/۵	۲/۷	۰/۲	۲/۵	۱/۳	۱/۲	۰/۱
میانگین بهره واقعی	۴/۴۵		۳/۶۲	۱/۶۶		۱/۲۶						

مأخذ: international financial statics.

با توجه به مقایسه نرخ سود سپرده‌های بلندمدت نظام بانکی ایران در پنج سال گذشته با متوسط نرخ بهره بانک‌های شاخص، به نظر می‌رسد وضعیت کنونی نرخ‌های سپرده‌های بلندمدت وضعیت مناسبی است و هر نوع کاهش در آن‌ها (با فرض ثابت ماندن نرخ تورم حدود ۱۵ درصد یا افزایش آن) سبب نگرانی سپرده‌گذاران و توقف رشد یا کاهش سپرده‌های مدت‌دار خواهد شد. اگر سیاست دولت در تثبیت قیمت‌ها موفق شود و نرخ تورم برای سال‌های بعد از آن کاهش یابد می‌توان به اندازه کاهش نرخ تورم، از نرخ سود اسمی سپرده‌های بلندمدت کاست، لیکن اگر نتیجه به هردلیلی منجر به افزایش نرخ تورم شود که در عمل چنین شده است، می‌بایست برای حفظ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت حقوق شرعی و قانونی آنان، نرخ سود اسمی سپرده‌ها را به اندازه افزایش نرخ تورم افزایش داد. برای مثال حال که نرخ تورم برای سال ۱۳۸۶ حدود ۱۸/۶ و برای سال ۱۳۸۷ حدود ۲۰ درصد برآورد می‌شود نرخ سود سپرده‌های یک‌ساله می‌بایست بیش از ۲۲ درصد باشد تا حداقل ۲ درصد سود واقعی برای سپرده‌گذار باقی بماند.

۴-۴- مقایسه نرخ سود تسهیلات بانکی ایران با چند کشور شاخص

برای داوری درباره کاهش یا افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی در ایران این نرخ با نرخ بهره تسهیلات کشورهای شاخص مقایسه شده است. پیش از مقایسه نرخ‌ها، تذکر این نکته لازم است که در ایران، تا سال ۱۳۸۴ شورای پول و اعتبار برای بخش‌های گوناگون اقتصادی، نرخ‌های سود متفاوتی تعیین می‌کرد؛ در حالی‌که در غالب کشورها، نرخ بهره بانکی برای بخش‌های مختلف یکسان بوده است. جدول شماره ۴ نرخ سود تسهیلات بانکی در بخش‌های گوناگون اقتصادی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: نرخ سود تسهیلات بانکی در بخش‌های گوناگون اقتصادی

(درصد)

سال	نرخ تورم	کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن	بازرگانی و خدمات	صادرات
۱۳۷۹	۱۲/۶	۱۶ - ۱۳	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۸۰	۱۱/۴	۱۴-۱۵	۱۶-۱۸	۱۵-۱۶	حداقل ۲۳	۱۸
۱۳۸۱	۱۵/۸	۱۳-۱۴	۱۵-۱۷	۱۴-۱۵	حداقل ۲۳	۱۷
۱۳۸۲	۱۵/۶	۱۳/۵	۱۶	۱۵	حداقل ۲۱	۱۵
۱۳۸۳	۱۵/۲	۱۳/۵	۱۵	۱۵	حداقل ۲۱	۱۴
میانگین	۱۴/۱۲	۱۳/۷	۱۶/۴	۱۵/۱	۲۲/۱	۱۶/۴
متوسط سود واقعی	---	-۰/۳۴	۲/۳۶	۱/۰۶	۸/۰۶	۲/۳۶

مأخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی برای سال‌های مختلف.

بررسی ارقام سطر آخر جدول شماره ۴ که نرخ سود متوسط واقعی بخش‌های گوناگون اقتصادی طی پنج سال منجر به سال ۱۳۸۳ را نشان می‌دهد، گویای آن است که نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی در بیشتر سال‌ها و همین‌طور متوسط پنج‌سال آن زیر نرخ تورم بوده است. این بدان معنا است که نظام بانکی، پیوسته به این بخش، یارانه داده است. بعد از بخش کشاورزی، بخش مسکن با متوسط ۱/۰۶ سود متوسط واقعی، ارزان‌ترین تسهیلات را داشته؛ سپس بخش صنعت و معدن و صادرات نرخ سود معتدلی را پرداخته، و بخش خدمات و بازرگانی با ۸/۰۶ درصد گران‌ترین تسهیلات بانکی را به‌خود اختصاص داده است. البته از سال ۱۳۸۵ نرخ‌های سود بخش‌های مختلف یکسان و برای تمام بخش‌ها در بانک‌های دولتی ۱۴ درصد و برای بانک‌های خصوصی ۱۷ درصد تعیین شد و در سال ۱۳۸۶ این نرخ‌ها به ترتیب برای بانک‌های دولتی و خصوصی به ۱۲ و ۱۳ درصد کاهش یافت که در مقایسه با نرخ تورم آن سال‌ها بسیار پایین است. برای مثال درحالی‌که نرخ تورم در سال ۱۳۸۶ بالای ۱۸ درصد بود، بانک‌های دولتی و خصوصی با ترتیب ۱۲ و ۱۳ درصد تسهیلات داده‌اند، جدول شماره ۵، نرخ بهره تسهیلات بانکی کشورهای شاخص را نشان می‌دهد که مقایسه نرخ‌های ایران با آن‌ها معنادار است.

جدول شماره ۵: نرخ بهره اسمی و واقعی تسهیلات بانکی در کشورهای شاخص

(درصد)

سال کشور	۱۹۹۹			۲۰۰۰			۲۰۰۱			۲۰۰۲		
	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی
آمریکا	۸	۲/۳	۵/۷	۹/۲	۳/۴	۵/۸	۷	۳/۴	۴/۸	۴/۷	۱/۵	۳/۲
فرانسه	۶/۴	۰/۵	۵/۹	۶/۷	۱/۷	۵	۷	۱/۷	۵/۳	۶/۶	۱/۹	۴/۷
کره	۹/۶	۰/۸	۸/۶	۸/۵	۲/۳	۶/۲	۷/۷	۴	۳/۷	۶/۸	۲/۸	۴
چین	۵/۹	-۱/۴	۷/۳	۵/۹	۰/۳	۵/۶	۵/۹	۰/۵	۵/۴	۵/۳	-۰/۸	۶/۱
بحرین	۱۱/۹	-۱/۴	۱۳/۳	۱۱/۷	-۰/۷	۱۲/۴	۱۰/۸	۰/۲	۱۰/۶	۸/۵	۱/۲	۷/۳
میانگین بهره واقعی	۸/۱۶			۷			۵/۹۶			۵/۰۶		

ماخذ: international financial statistic

مقایسه نرخ متوسط بهره واقعی تسهیلات بانکی در کشورهای شاخص طی چهار سال که حدود ۶/۵۴ درصد بوده است با نرخ متوسط سود واقعی تسهیلات بانکی برای بخش‌های پنجگانه ایران طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که فقط نرخ سود واقعی بخش بازرگانی و خدمات از نرخ سود متوسط کشورهای شاخص بیشتر شده است؛ اما نرخ‌های سود واقعی بخش‌های دیگر نه تنها در مقایسه با نرخ متوسط کشورهای شاخص کمتر است، بلکه در هیچ سالی به اندازه سود واقعی هیچ یک از کشورهای مذکور نبوده است. یعنی بالاترین نرخ سود واقعی در بخش‌های تولیدی در ایران ۲/۳۶ درصد برای بخش صنعت و معدن، پایین‌تر از پایین‌ترین نرخ بهره واقعی برای پنج کشور شاخص یعنی ۳/۲ بوده است. این بدان معناست که نرخ سود بخش‌های تولیدی ایران (کشاورزی، صنعت، معدن، و مسکن) در مقایسه با نرخ‌های کشورهای شاخص، پایین‌تر است و همین باعث شده که هیچ تولیدکننده خصوصی در ایران با امکان دریافت تسهیلات از نظام بانکی داخلی به بانک‌های خارجی مراجعه نمی‌کند. درحالی‌که

پیش از انقلاب، برخی از صنایع معروف ایران، بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق استقراض از بانکهای خارجی تأمین می‌کردند. بعد از سال ۱۳۸۵ و یکسان شدن نرخ سود تسهیلات، نرخ سود واقعی تمام بخش‌ها منفی شده و این بدان معناست که همه بخش از یارانه مخفی استفاده می‌کنند. پیشنهاد می‌شود تا رسیدن به وضعیتی که بتوان نرخهای سود را برای بانکها در بخشهای گوناگون آزاد کرد و تا زمانی که احساس می‌شود به حمایت خاص از بخشهای تولیدی نیاز است، متوسط نرخهای سود واقعی تسهیلات برای بخشهای کشاورزی ۱ درصد، مسکن ۱/۵ درصد، صنعت و معدن ۲ درصد، صادرات ۲/۵ درصد و بخش بازرگانی و خدمات ۵ درصد باشد.

۵-۴- مقایسه نرخ حاشیه سود بانکی^۱ در ایران با کشورهای شاخص

یکی از محورهایی که می‌توان با مطالعه آن، میزان کارایی نظام بانکی یک کشور را به‌دست آورد، نرخهای حاشیه سود بانکی یا تفاوت میانگین موزون نرخ سود سپرده‌ها با میانگین موزون نرخ سود تسهیلات بانکی است که در اصطلاح بانکی به آن "spread" می‌گویند. جدول شماره ۶ این نرخ‌ها را برای کشورهای شاخص و ایران نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶: نرخهای حاشیه سود بانکی در ایران و برخی کشورهای جهان

(درصد)

کشور سال	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	میانگین
آمریکا	۲/۶۶	۲/۷	۲/۳	۲/۹۷	۶/۹	۲/۷
فرانسه	۳/۷	۴/۱	۴	۳/۶	۳/۹	۳/۸۶
کره	۱/۵	۰/۶	۱/۹	۱/۹	۱/۹	۱/۵۶
چین	۳/۶	۳/۶	۳/۶	۳/۳	۳/۳	۳/۴۸
بحرین	۷/۱	۵/۹	۸/۱	۷/۲	-	۷
میانگین	۳/۷	۳/۳۸	۳/۹۸	۳/۹	۳	۳/۷۲
ایران	۴/۳	۴/۹	۴/۴	۴/۹	۴/۵	۴/۸

مأخذ: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی دایره پولی و بانکی، بانک مرکزی مهرماه ۱۳۸۳.

^۱ spread

مقایسه نرخ‌های حاشیه سود بانکی ایران با کشورهای شاخص نشان می‌دهد که در تمام سال‌های مورد مطالعه، نرخ‌های ایران بالاتر از متوسط کشورهای شاخص بوده است. چنانکه متوسط پنج سال ایران نیز در حدود ۱/۱ درصد بیشتر از نرخ متوسط پنج سال گذشته برای کشورهای شاخص بوده است. این درحالی است که کشور بحرین با نرخ‌های بسیار بالای خود، میانگین را بالاتر نشان می‌دهد؛ به طوری که بدون احتساب بحرین، نرخ متوسط حاشیه سود بانکی کشورهای پیشین حدود ۲/۹ درصد بوده است و فاصله نرخ‌های ایران با آن‌ها در حد ۱/۹ درصد، یعنی بیش از ۵۰ درصد است. بنابراین، نظام بانکی ایران می‌تواند با مطالعات کارشناسی و کاستن از هزینه‌های اداری، سرمایه‌ای و عملیاتی و کارکردن فعالیت‌های بانکی، به تدریج از حاشیه سود خود کاسته، به نرخ‌های جهانی نزدیک شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- ۱- با توجه به روایات و فتاوهای فقها در شرایط عادی، کسی حق قیمت‌گذاری و تعیین نرخ برای کالاها و خدمات ندارد و قیمت در بازار تعیین می‌شود.
- ۲- در شرایط غیرعادی چون تبانی و احتکار، حاکم اسلامی مسئولیت دارد با اتخاذ تدابیر لازم وضعیت اقتصادی را به شرایط طبیعی برگرداند و حق قیمت‌گذاری ندارد.
- ۳- اگر صاحبان کالا و خدمات سوء استفاده کرده و قیمتی تعیین کنند که کسی توان خرید نداشته باشد و آن قیمت تبدیل به وسیله‌ای برای احتکار شود حاکم اسلامی حق قیمت‌گذاری دارد.
- ۴- در هر صورت قیمت تعیین شده می‌بایست متناسب با قیمت بازار باشد و موجب زیان فروشنده و خریدار نشود.
- ۵- با توجه به تأثیر تغییرات سود بانکی (سود سپرده‌ها و تسهیلات) بر متغیرهای مهمی چون سپرده‌های بانکی، سرمایه‌گذاری و تورم، هر نوع تغییری باید با مطالعات کارشناسی دقیق و به دور از فضای احساسی باشد.
- ۶- سپرده‌های جاری و پس‌انداز تابع نرخ‌های سود بانکی نیستند؛ لیکن سپرده‌های سرمایه‌گذاری تابع مستقیم سود سپرده‌ها هستند و هر نوع کاهشی در آن‌ها بدون کاهش نرخ تورم، باعث خروج بخشی از آن‌ها از نظام بانکی می‌شود.
- ۷- نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی ایران برای بخش‌های تولیدی (کشاورزی، صنعت، معدن و مسکن) به طور متوسط کمتر از نرخ‌های جهانی و در سال‌های اخیر برای همه بخش‌ها منفی بوده است. این به معنای پرداخت یارانه مخفی به همه بخش‌ها است که منطقی نیست،

- براین اساس، پیشنهاد می‌شود نرخ‌های تسهیلات بانکی، کارشناسی مورد بازنگری قرار گیرد.
- ۸- مقایسه نرخ‌های حاشیه سود بانکی ایران با نرخ‌های جهانی نشان می‌دهد که حاشیه سود بانکی در ایران (طبق محاسبه خود بانک مرکزی) بیش از نرخ‌های جهانی بوده است. لازم است با یافتن راهکارهای درست، از هزینه‌های گوناگون بانکی کاسته شود و حاشیه سود را به نرخ‌های جهان برساند.
- ۹- تمام تصمیم‌ها و تغییرها می‌بایست با هدف رسیدن به نرخ‌های تعادلی و وضعیتی که بتوان نرخ‌ها را آزاد کرد، صورت گیرد. زیرا فقط در آن صورت است که زمینه‌های شرع و قانون رعایت می‌شود و فساد و رانت خواری برچیده می‌شود و به نرخ‌های تعادلی پایدارتر می‌رسیم.

کتاب نامه

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش های اقتصادی، سال های مختلف.
- تفضلی، فریدون: *اقتصاد کلان*، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶.
- توتونچیان، ایرج: *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۵.
- التوحیدی، محمد علی: *مصباح الفقاهه*، دارالهادی، الكويت، الطبعة الاولى ۱۴۱۲.
- الحسینی العاملی، محمد جواد: *مفتاح الکرامه*، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم.
- الخمینی، روح الله: *کتاب البیع*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، قم ۱۳۷۶.
- الخمینی، روح الله: *تحریر الوسیله*، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶.
- خویی، ابوالقاسم: *مصباح الفقاهه*، دارالهادی، کویت، ۱۴۱۲.
- الشریف الرضی محمد بن الحسین: *نهج البلاغه*، (من کلام امیر المؤمنین (ع).
- الصدوق محمد بن علی، *التوحید*: مؤسسه النشر الاسلامی، قم، الطبعة الأولى ۱۳۹۸.
- الصدوق محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم الطبعة الثانية.
- الطوسی محمد بن الحسن: *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه*، دارالتعارف، بیروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۱.
- طوسی، ابو جعفر: *المبسوط*، المكتبة المرتضویه، ۱۳۸۷.
- الکلینی محمد بن یعقوب، *الکافی*، *دار صعب و دارالتعارف*، بیروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۱.
- کمیجانی، اکبر: *سیاست های پولی مناسب*، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۲.
- گلریز و ماجدی: *پول و بانک از نظریه تا سیاستگذاری*، مؤسسه های بانکداری ایران، ۱۳۶۷.

گلیهی، فرد: *اقتصاد کلان*، مهدی تقوی، تهران، انتشارات ترمه، سوم، بی تا.

محقق حلی، *شرایع الاسلام*، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۵.

معاونت امور بانکی و وزارت امور اقتصاد و دارایی، *نقش و عملکرد نظام بانکی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، ۱۳۸۴.

المغربی، نعمان بن محمد: *دعائم الاسلام*، دارالمعارف، مصر، الطبعة الثالثة ۱۳۸۹.

موسویان، سیدعباس: *بانکداری اسلامی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۳.

الهندی، *کنز العمال*، مکتبه التراث الاسلامی، بیروت، ۱۳۹۷.

www.international financial statistics.com